تأملی در آیات اخلاقی قرآن

تداوم کمال انسانی

آیت‌الله‌العظمی حسین مظاهری

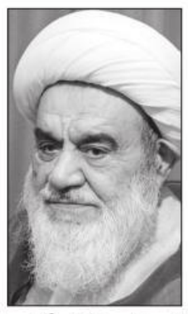

از آیات خلقت انسان، استفاده می‌شود ملائکه درک کردند این «خلیفه‌الله» چون بُعد ناسوتی دارد، معمولاً مفسد فی الارض می‌شود؛ چون بُعد ناسوتی معمولاً بر بُعد ملکوتی مقدم می‌شود؛ پس همه گفتند: این انسان مفسد فی‌الارض می‌شود. اگر مقدس بخواهی، ما تو را تقدیس می‌کنیم. اگر حمد و تقدیس و تنزیه بخواهی، ما هستیم، این آدم را برای چه می‌خواهی؟! هم ملائکه و هم شیطان تا این اندازه علم داشتند؛ اما به این که خلیفه‌الله یعنی چه، علمی نداشتند. تا اینکه خدا فهماند شما اشتباه می‌کنید و آنها هم اقرار کردند که ما اشتباه کردیم. از همین آیات فهمیده می‌شود شیطان علم ندارد؛ علمش به همین اندازه است که بفهمد بُعد ناسوتی بر بُعد ملکوتی مقدم می‌شود؛ اما راجع به اینکه آدمیت به کجا می‌رسد، علم ندارد.

خدا به فرشتگان فرمود: «**فإذا سَوّیتُهُ و نفختُ فیه من روحی فقعوا لهُ ساجدین**» (الحجر، ۲۹): وقتی روحم را در او دمیدم، یعنی آن بُعد ملکوتی و خلیفه‌اللهی، آنگاه همه بر او سجده کنید؛ اما شیطان سر باززد. خطاب شد: «چرا سجده نکردی؟» گفت: «من از آتش هستم و او از خاک است و آتش برتر از خاک است، پس سجده نمی‌کنم.» او باید نادان باشد که این حرف را زد. اولاً خدا نفرمود به جسم او سجده کن، فرمود: فإذا سویتُهُ و نفختُ فیه من «روحی»، به روح و بُعد ملکوتی و به آدمیت سجده کنید. اما شیطان نفهمید و خیال کرد خدا گفته به این جسم سجده کن! علاوه بر اینکه عالم نبود، این را هم نفهمید که فرق است بین بُعد مادی و بُعد ملکوتی. بعد هم که می‌گوید: «خدایا، اجازه بده سجده نکنم و هر چه خواستی، عبادت کنم!» این هم نفهمی است، عالم این حرفها را نمی‌زند. خطاب شد: این عبادت نیست، عبادت آن است که من می‌گویم.

ریاضت بی علم

فخر رازی روایتی نقل می‌کند و بعد می‌گوید: اگر دنیا پشت به پشت یکدیگر کند و بخواهد جواب این اشکال شیطان را بدهد، نمی‌تواند. خودش هم از آن رد می‌شود. اشکال‌های شیطان این است که می‌گوید: تو که می‌دانستی من سجده نمی‌کنم، چرا به من امر کردی؟! تو که می‌دانستی من موجود بدی می‌شوم، چرا مرا آفریدی؟! خدا فرمود: مرا حکیم می‌دانی؟ گفت: بله. فرمود: اگر مرا حکیم می‌دانی، هر چه کردم، روی حکمت است.

ممکن است انسان با ریاضت‌ها به خیلی جاها برسد؛ اما اگر عالم نباشد، شیطان می‌شود و زمین می‌خورد. یکی می‌گفت در هند دیدیم مرتاضی بین زمین و هوا ایستاده و ... خودش را می‌خورد! آنگاه از آن بالا داد زد، گفت: «فلانی، من این را می‌خورم، اما مال مردم را نمی‌خورم و استکان نعلبکی نمی‌دزدم!» این می‌گفت من وقتی می‌خواستم به آنجا بروم، بی اجازهٔ پدر و مادرم یک استکان و نعلبکی از خانه برداشتم و بیرون رفتم و حال این مرتاض چنین می‌گفت! بله، انسان با ریاضت‌ها می‌تواند به خیلی جاها برسد؛ اما اگر علم نباشد، بالاخره اثر خودش را می‌گذارد. ما باید عالم مرتاض دینی باشیم.

قرآن راجع به شیطان‌های انسی می‌فرماید در روز قیامت بعضی‌ها این‌گونه‌اند که به خدا می‌گویند: این پرونده‌ای که اینها برای من درست کرده‌اند، دروغ است و تو اشتباه می‌کنی که می‌خواهی مرا به جهنم ببری! خدایا، من آدم خوبی هستم و تو اشتباه می‌کنی: «**یوم یبعثُهُمُ الله جمیعاً فیَحلفون لهُ کما یَحلفون لکُم و یَحسبون أنّهُم عَلی شئ ألا إنهُم هُمُ الکاذبون**» (المجادله، ۱۸). برای خدا قسم می‌خورند، همان‌جور که در دنیا برای مردم قسم می‌خوردند. قرآن می‌فرماید ببین چقدر دروغگو و منحرف‌اند!

از این هم استفاده می‌شود اگر در راه مستقیم بیفتیم، استکمال داریم؛ اما برای اهل جهنم استکمال نیست، توقف است. به این می‌گویند «سیر من الحق الی الحق». فرد هدایت‌شده دائماً در حرکت است و دائماً مورد نظر خداست.

[شیخ مفید در] آخر «ارشاد» یک روایت معراجیه نقل می‌کند که خدا به پیغمبر اکرم(ص) فرمود: یا احمد! بندگانی دارم که اینها در بهشت غرق در عالم وحدت هستند، به اندازه‌ای که بهشت از اینها گله می‌کند؛ حورالعین و باغها و قصرها گله می‌کنند: «خدایا، تو ما را برای او خلق کردی و او هیچ توجهی به ما ندارد!» خطاب می‌شود: بگذار بندهٔ من در عالم وحدت باشد؛ من روزی ۳۶۰ مرتبه به اینها نظر دارم و در هر نظری مُلک و ملکشان را زیاد می‌کنم. غیرمتناهی است. فرد اگر در راه افتاد، او می‌شود و اگر سقوط کرد، این می‌شود.

برنامه حکومتی علی(ع)

آیت‌الله سیدمحمود طالقانی

مرحوم آیت‌الله سیدمحمود طالقانی (۱۳ اسفند۱۲۸۹ ـ ۱۹ شهریور ۱۳۵۸) می‌کوشید با زبانی روان و همه‌فهم، مردم را با حقایق اسلام آشنا سازد. آنچه در پی می‌آید، بخشهایی از خطبه‌های نمازجمعه ایشان است که در آغاز پیروزی انقلاب ایراد شده است. امام(ره) در باره این «بازوی توانای اسلام» فرمود: «یک عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند و هیچ‌گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت. او برای اسلام به منزلهٔ حضرت ابوذر بود؛ زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود: برّنده بود و کوبنده.» (صحیفه، ج۹، ص۴۸۶).

قال امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام: «**ایها الناس، ذمّتی بما أقولُ رهینه و أنا به زعیم**». در یک موقعیت خاص و حساس، در یک فصل تاریخی، بعد از شورش و انقلاب مسلمانان علیه خلیفه وقت و بعد از اینکه مردم مدینه، سران مهاجر و انصار با آن حضرت بیعت کردند، [علی(ع)] اولین برنامه حکومتش را در خطابه مفصلی در مسجد مدینه اعلام فرمود. همان‌طوری که علی روح و فکر و اندیشه و برنامه و سخنش همیشه زنده است، این کلمات هم زنده است.

گویا همین امروز است که علی در میان همه مسلمان‌ها ایستاده و این مسائل و مطالب و برنامه را اعلام می‌کند. همان علی که در فتح مکه، همه گوش و چشم و دل بود نسبت به رهبر بزرگش پیامبر عظیم‌الشأن، در پای سکوی مجاور کعبه ایستاده بود و خطابه انقلابی پیامبر اسلام را می‌شنید، بعد از اینکه بتها فرو ریخت و مرکز توحید فتح شد و همه مشرکین تسلیم شدند، [پیامبر] آن خطبه مفصل را ایراد فرمود که: «هر افتخاری در جاهلیت، زیر پای من و هر ربایی در جاهلیت، زیر پای من و هر امتیازی زیر قدم من، همه محو شده است. **کل معثره، کل ربا...**»

بعد فرمود: «**لا فخرَ لعربی عَلی عجمی و لا لعجمی عَلی عربی الا بالتّقوی. انّ اکرمکم عُندالله اتقیکم. انّ الزّمان قد عاد کهیأته یوم خلق الله السموات و الارض**: همه افتخارات و همه امتیازات ملغی. عرب بر عجم، عجم بر عرب، سپید و سیاه بر یکدیگر [هیچ فخر و برتری ندارند]. گرامی‌ترین شما، آن هم نزد خدا، نه امتیازات دنیوی، متقی‌ترین شما هستند. زمان برگشت به همان وضع فطری که این امتیازات نبود. این طبقات نبود و این افتخارات نبود.

علی اینها را می‌شنید، با تمام وجود درک می‌کرد، راز انقلاب توحیدی اسلام را از زبان پیامبر و وحی قرآن دریافت. بلال حبشی برده و غلام شکنجه‌دیده بالای خانه کعبه رفت و بانگ اذان برداشت؛ یعنی این غلامی است که برحسب فضیلت و تقوا، از جهت سبقت در اسلام و درک توحید و تقوا، باید بر همه مردم برتری داشته باشد. از همین جهت بود که همه قریش و سران قریش و آن کسانی که بادهای افتخارات جاهلیت در دماغشان بود، به خود می‌پیچیدند.

انحرافات اموی

زمان گذشت، رسول خدا(ص) وفات یافت. به‌تدریج همان کسانی که مارک «**طُلقاء**» به پیشانی آنها خورده بود، در دستگاه خلافت نفوذ کردند. امتیازات شروع شد: امتیاز قریش به عرب، امتیاز عرب بر عجم. چه در مقامات و پست‌ها و چه در تقسیم بیت‌المال و زمینه‌های اقتصادی،

***در محیط تقوا، ریشهٔ زراعت هیچ‌کس خشک نخواهد شد. همه به آمالشان خواهند رسید. در مقابل، در محیط بی‌تقوایی، بی‌بند و باری، دروغگویی، فریب، ادعاهای بی‌خود و گول‌زدن‌ها، همه محروم خواهند بود. همان هم که خیال می‌کند زرنگ است، محروم خواهد بود!**

تا به آنجا رسید که این امتیازات، مسلمان‌های اصیل را به حرکت درآورد و در این میان، خلیفه قربانی شد. مردم با علی بیعت کردند.

با این سابقهٔ مجمل تاریخی، بنی‌امیه عقب رانده و حزب اموی، در دستگاه خلافت نفوذ پیدا کردند. یزید بن ابی‌سفیان در شام، و پس از او، معاویه بن ابی‌سفیان. مروان رانده‌شده همه‌کارهٔ دستگاه خلافت شد. علی مواجه است با اجتماعی که اسلام را از هر امتیازی و از هر افتخاری پاک کرده بود و دومرتبه به وضع جاهلیت برگشته. این است که ایستاد و این خطابه را خواند. این خطابه‌ای که امروز هم از زبان من می‌شنوید، ولی در همین موقعیت وضع ما مسلمان‌ها و همه دنیای اسلام و دنیای بشر از زبان علی بشنوید. این خطابهٔ انقلابی، این انقلاب مفهوم‌دار، نه شعار؛ فرمود: **ذمّتی بما أقول رهینه، و أنا به زعیم.**

متأسفانه بیشتر مفسرین و مترجمین نهج‌البلاغه این کلمات را خبری از آینده می‌دانند؛ یعنی آنچه می‌شود، نه آنچه باید بشود. با اینکه موقعیت این خطابه و مسائلی که امیرالمؤمنین مطرح می‌کند، یعنی این مسأله و آنچه من اعلام می‌کنم، باید انجام بگیرد و من درباره این مطلب، پیش خدا و خلق و قرآن و وحی و نبوت، متعهد هستم. **ذمتی بما اقول رهینه و انا به زعیم**: من گروگان این حقیقتم، من در بند این حقیقتم و متعهدم و باید اعلام کنم.

انّ من صرّحت له العبر عمّا بین یدیه من المَثُلات حَجَزته التّقوی عن تقَحّم الشُّبهات. مردمی که این همه تجربه دیده‌اند، عبرت‌های تاریخی را دریافته‌اند و با مسائل برخورد کردند و نمونه‌هایی از گذشته تاریخ در مقابل چشمشان به‌صراحت موضع تاریخ را بیان می‌کند و گذشته را که ظلم، سرکشی، خودخواهی‌ها، چگونه منجر به خونریزی‌ها و انقلاب‌ها خواهد شد. پس همین بس است. این نمونه‌های تاریخی که مردم دارای تقوای اجتماعی و روحی را از فرو رفتن در مکتب‌ها، مسائل، برنامه‌ها، شعارهای شبهه‌انگیز، خود را نگه دارند که دوباره تاریخ گذشته تکرار نشود.

الا و انّ بَلیّتکم قد عادَت کَهیئتها یومَ بعثَ الله نبیّکم. گرفتاری‌های شما دومرتبه برگشت. گرچه به ظاهر اسلام و در لباس اسلام‌اند، ولی همان گرفتاری است که پیامبر در میان آن شرک‌ها، خودخواهی‌ها، وحشی‌گری‌ها، امتیازات منبعث شد. این گرفتاری شما، همان گرفتاری است. گرچه اینها (مخالفین من) در شعار اسلام و لباس اسلام هستند؛ ولی آن بصیرتی که خدا به من عنایت کرده، باطن و اندیشه‌های جاهلیت و کفرآمیز اینها را می‌بینم.

بصَرنی بهم صدق النّیّه. امروز هم این مردمی که در لباس اسلام و در زی اسلام به جاهلیت برگشته‌اند. من می‌نگرم، گرچه نماز می‌خوانند، در صف جماعت هستند، شعار قرآن می‌دهند؛ ولی همان نظام جاهلیت است. **انّ بلیتکم قد عادت کهیئتها یوم بعث‌الله نبیکم.** بعد می‌فرماید:

و الذی بعثهُ بالحق، لَتُبَلْبَلنّ بَلبَله و لَتُغربَلُنّ غربلَه و لتُساطُنّ سَوط القدر. بعد از این دو تذکر، می‌گوید که برنامه چی هست: اول اینکه همه به هم آمیخته بشوند. باید همه به هم آمیخته شوند. این دیوارها و این سدهای طبقاتی بین قریش و عرب و عجم و موالی، همه باید برداشته شود و همه باید به هم بریزند؛ این مرحله اول: **لتبلبلن بلبله.**

بعد از آن، **و لتغربلن غربله.** در میان این به‌هم ریختگی، باید غربال شوید، چه جور غربالی؟ آن دانه‌درشت‌های متعهد متقی و آنهایی که اسلام را دریافتند و پای اسلامی ایستادند، اینها شناخته بشوند، نخاله‌ها بیرون بروند. **و لتغربلن غربله و لتساطن سوط القدر**، بعد هم به هم آمیخته بشوند و ترکیب بشوند، مثل موادی که باید در میان دیگ با هم بجوشند و با هم ترکیب پیدا کنند و یک صورت دیگری به اینها داده بشود.

آیت‌الله طالقانی در میان شهید بهشتی و آیت‌الله ابوالفضل زنجانی

این برنامه علی است؛ برنامه انقلابی علی. به هم‌ریختن آن نظامات فاسد و فاصله‌ها، و روآمدن شخصیت‌های متعهد و از میان رفتن و برکنار شدن نخاله‌های خودخواه، خودپرست و فرصت‌جو. و بعد یک ترکیب اجتماعی نو، اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیشرو.

آیا این کلمات برای همان روز علی بود یا امروز هم ما دچاریم؟ اگر انقلاب اسلامی ما، در این مسیر علی و این برنامه علی پیش نرود، باید به طور یقین بدانیم که به جای اول برخواهیم گشت.

بعد می‌فرماید: آنقدر باید زیر و رو بشوید که آن پایینی‌ها، آن پایین‌شهری‌ها، آن محروم‌ها، آنهایی که زیر پا ماندند، آنهایی که نفس ندارند، ناله‌شان به گوش کسی نمی‌رسید، اینها بالا بیایند. و آن خودخواه‌هایی که بر گردهٔ مردم سوارند، اینها باید به زیر کشیده بشوند:

حتی یَعودَ اسفلُکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم. زیرپایی‌ها، نادیده گرفته‌ها، محرومین، مستضعفین بالا بیایند. مستکبرین، خودخواهان، سرمایه‌دارها، غارتگرها باید بروند دنبال کارشان. گرچه طلحه و زبیر باشند، گرچه در مقابل پیغمبر شمشیر زده باشند. گرچه خویش نزدیک پیامبر باشند، باید کنار بروند. از این انقلابی‌تر شما خطابهٔ هیچ رهبری را در دنیا شنیده‌اید یا دیده‌اید؟

و لیَسبقَنّ سابقونَ کانوا قَصَّروا: آن پیشی‌گیرنده‌ها، آن شکنجه‌شده‌های دوره ابتدای بعثت و در میان وادی‌های مکه و در کنار حرم خدا و در کنار کعبه، آنها که کنار رفته‌اند، باید بیایند جلو، آنها پیشگامان بودند.

و لیقُصَرُنّ سبّاقون کانوا سبَقوا: آنهایی که بی‌خود خودشان را جلو انداخته‌اند، بیایند عقب.

والله ما کتَمتُ وَشمَه و لا کذبتُ کِذبه: اینها که می‌گویم، به اندازه سر سوزنی دروغ نیست؛ واقعیاتی است که باید انجام بگیرد و هیچ حقیقتی را من کتمان نکردم. این موقعیت را در این وضع و در این شرایطی که امروز واقع شده‌ام، قبلا به من آگاهی داده شده بود. برنامه من از قبل تعیین شده بود.

برنامه علی، برنامه قبل از انقلاب مدینه بود، نه مثل ما مسلمان‌ها که اول انقلاب کرده‌ایم، حالا نشسته‌ایم می‌خواهیم برنامه معین کنیم، باید چه کار کرد؟! این حقیقت است. این مسأله است، این راه است، این ادامه انقلاب است، این انقلابی که علی آن روز گفت و امروز هم صدایش به گوش همه مسلمان‌ها و شما می‌رسد. اگر تداوم پیدا نکند، هر کاری، هر اندیشه‌ای، هر تقنین قانونی، کم‌اثر یا بی‌اثر خواهد بود.

نمونهٔ مشروطیت

مگر ما در مشروطیت ـ هفتاد و خرده‌ای سال قبل ـ قانونی اساسی ننوشتیم؟ چقدر مترقی! غیر از چند قسمتش، همه مسائل زنده، ولی چه شد؟ برای اینکه همین قدر قانون اساسی تدوین شد، توده انقلابی مردم خیال کردند کار تمام شد، رفتند دنبال زندگی‌شان، دومرتبه همان‌هایی که اطرافیان دربار محمدعلی‌شاهی و قاجاریه بودند و اشراف و طبقات، آمدند توی مجلس؛ بعد هم از وسط اینها رضاخان بیرون آمد. اگر انقلاب تداوم نیابد، هر اندیشه‌ای، هر کاری ما بکنیم، علاج ارتجاع و برگشت به وضع جاهلیتی را که علی اعلام خطر کرده، چاره‌اندیش نیست، چاره نمی‌کند.

من نمی‌خواهم نفی بکنم، باید قانون اساسی هم نوشته بشود، تدوین بشود، ولی باید هشیار باشیم این قانون اساسی اصولی است روی کاغذی، مجری‌اش کیست؟ شما مردم. شما مردم کی می‌توانید یک قدرت اجرایی قوی باشید که این اصول آزادی‌بخش را بتوانید پیاده کنید؟ وقتی که انقلابی باشید، انقلاب تداوم پیدا کند، نه اینکه متوقف بشود.

الا و انّ الخطایا خیلٌ شُمُس حُمِل علیها اهلها و خُلعَت لُجُمُها فتقَحّمت بهم فی النّار. اشتباهات، کجروی‌ها، به‌تدریج [موجب می‌شود] به جای اینکه انسان سوار بر کار و مسلط بر اوضاع باشد، اشتباهات و خطاها و گناهان بر آنان حاکم می‌شود. چشم و گوش بسته افراد و جماعات و امت را به یک جهتی می‌کشانند، جهت انحرافی تا اینکه به حد سقوط می‌رسانند. می‌فرماید خطاها، اشتباهات، لغزش‌ها، مانند اسبهای چموشی است که سوارانی بر آن سوار شده‌اند و افسارها گسیخته شده و اختیار از دست سوارکار بیرون رفته و یکسره سوارکار را به طرف سقوط‌گاه و جهنم می‌برند.

الا و انّ التقوی... اما تقوا، خودداری از گناه، ضبط نفس، در تحت هر شعاری نرفتن، تحریک نشدن، گول نخوردن، تقوای فکری، تقوای اخلاقی، تقوای اجتماعی، مرکب‌های رهرو و رهواری هستند که سوار بر آنها به‌آسانی می‌تواند به مقصد خود برسد، زمام آن را به دست بگیرد و آن را به طرف بهشت سوق بدهد: **شُغل مَن الجنّه و النّارُ أمامَه.**

مردم بصیر، مردم دارای بینش که بهشت و دوزخ را در مقابل خود می‌بینند، اینها باید خود را از فتنه‌جویی‌ها، از انحراف‌ها، نگه دارند و این مسیر نهایی حرکت را در نظر داشته باشند.

ساع سریعٌ نجا. مردم پیشرو، مردم شتابان به طرف حق، به طرفِ کمال و به طرف خیر، نجات می‌یابند.

طالبٌ بطیٌ رَجا. آنهایی که حرکت می‌کنند، امیدی هست که شاید به سرمنزل مقصود برسند. چه افراد و چه امت‌ها، **و مقصرٌ فی النّار هوَی.** آنهایی که در انجام وظیفه، در سرعت به طرف خیر و انقلاب حق و توحید، کوتاه می‌آیند، آنها در میان آتش، آتش‌هایی که خود برمی‌افروزند، سقوط خواهند کرد.

چپ‌گرایی، راست‌گرایی

الیمینُ و الشّمال مَضَلّه. شمال در مقابل یمین یعنی چپ، راست‌روی و چپ‌روی حرکت به طرف گمراهی است. ما نمی‌دانیم این علی در آن روز با اینکه مسأله «چپ‌گرایی» و «راست‌گرایی» اصطلاحات همین یک قرن اخیر است، چه جور مسائلش زنده است! آن روز برای آن مردم می‌گوید: راست‌روی و چپ‌روی هر دو طرف گمراهی است: **الیمین و الشمال مضلّه.**

در قسمتی از خطبه دیگر درباره منحرفین می‌فرماید: «**و اخذوا یمیناً و شمالاً**» از صراط حق منحرف شدند، یک عده راست‌گرا شدند، یک عده چپ‌گرا شدند، **طعناً فی مسالک الغیّ.** برای اینکه هر چه می‌توانند، راه گمراهی و گمراه کردن را بپویند. **و تَرکاً لمذاهب الرُشد:** تا راه رشد و حرکت و کمال را رها کنند. **الیمین و الشمال مضله.**

من این عبارت را برای یک عده‌ای از نمایندگان و برادرهای کشورهای عربی و سفرای آنها می‌خواندم. بعد پرسیدم: «این عبارت می‌دانید از کیست؟» گفتند: «نمی‌دانیم.» گفتم: «از نهج‌البلاغه.» بیچاره‌ها خبر ندارند! ما نتوانسته‌ایم منطق شیعه را به طور اصالت به دنیای خودمان برسانیم، خیال کردند از این عبارت‌هایی است که اخیراً جعل شده، گفتم: «این کتاب نهج‌البلاغه، این عبارت مال علی است!»

الیمین و الشمال مضله: چپ‌گرایی و راست‌گرایی به گمراهی می‌کشد. آیا ما ایرانی‌ها این تجربه را نداشته‌ایم در این مدت؟ همیشه ضربه‌ای که خورده‌ایم، یا از راست‌گراهای متعصب جامد خوارج نهروانی بوده، و یا از چپ‌گراهای به طرف مکتب‌های دیگر.

و الطّریق الوسطی هیَ الجادّه: راه وسط، صراط مستقیم، این جاده‌ای است که کاروان بشر را به سرمنزل نجات و سعادت می‌رساند. **علیها باقی الکتاب:** این کتاب باقی، این قرآن بر همین مناست؛ یعنی بر صراط مستقیم، نه راست، نه چپ. **و منها منفذُ السّنه**، سنت رسول خدا و اولیای دین اگر بخواهد راه پیدا کند، نه در چپ‌گرایی می‌تواند راه بیابد، نه در راست‌گرایی، در طریق مستقیم است. **و الیها مصیرُ العاقبه.** عاقبت خیر در همین طریق وسطی است.

هَلَکَ مَن ادّعی: مردم پرادعای کم‌کار و فریبکار در حکومت ما از بین خواهند رفت، بروند دنبال کارشان. **و خابَ مَن افتری:** آنهایی که دروغ می‌بافند، تهمت می‌زنند، اینها همِ دستشان خالی است؛ فقط مردم صادق این وسط می‌توانند راه انقلاب را، انقلاب علی را پیش ببرند.

من اُبدَی صَفحته للحق، هَلَک: کسی که روبروی انقلاب بایستد، باید هلاک بشود، باید نابود بشود. انقلاب، انقلاب محرومین است. انقلاب، انقلاب توده مسلمان است، انقلاب، انقلاب پیروان قرآن است. انقلاب، انقلاب پیروان توحید است. هر کس که از این مسیر منحرف شد، باید پایمال بشود. **من ابدی صفحته للحق هلک.** اگر نشستند و در مقابل حق نایستادند، کاری به کارشان نداشته باشید. همان‌طوری که اماممان فرموده، همان‌طوری که وارث علی گفته است.

و کفَی بالمَرء جَهلا ان لا یَعرف قدرَه: چقدر یک انسان جاهل و پست است که قدر خود را نشناسد. و **لا یَهلِکُ عَلی التّقوی سنخُ اصل و لا یَظمأ علیها زرعُ قوم:** در محیط تقوا، ریشه زراعت هیچ‌کس خشک نخواهد شد. همه به آمال خودشان ـ چه آمال دنیوی‌شان، چه آمال اخروی‌شان ـ خواهند رسید. در مقابل، در محیط بی‌تقوایی، بی‌بند و باری، دروغگویی، فریب، ادعاهای بی‌خود و گول‌زدن‌ها، همه محروم خواهند بود. همان کس که خیال می‌کند زرنگ است و دیپلمات، آن هم محروم خواهد بود.

*** این است برنامه علی(ع): به هم‌ریختن نظامات فاسد، روآمدن شخصیت‌های متعهد، برکنار شدن نخاله‌های خودخواه و فرصت‌جو؛ و بعد یک ترکیب اجتماعی نو. اگر انقلاب ما در مسیر علی پیش نرود، به جای اول برخواهیم گشت. باید محروم‌ها بالا بیایند و خودخواه‌هایی که بر گردهٔ مردم سوارند، به زیر کشیده شوند**

این عبارت را حفظ کنید: **لایهلک علی التقوی سنخ اصل**: ریشهٔ زراعت و آمال هیچ فردی برمبنای تقوای از بین رفتنی نیست. **لایظمأ علیها زرع قوم**: زراعت هیچ قومی‌تشنه نخواهد ماند. آمالشان، اعمالشان، فعالیت‌هایشان، همه در محیط تقوا به ثمر رسد.

فاستَتروا فی بُیوتکم. این خطاب به ضدانقلاب‌هاست: آی ضد انقلاب‌ها! بروید توی خانه بنشینید. **واصلحوا ذاتَ بینکم**: خودتان را اصلاح کنید. اصلاح کنید تا جامعه شما را بپذیرد. **و التّوبهُ من ورائکم**: اگر واقعاً توبه کردید، برگشتید، توبه پشتیبان شماست، شما را دستگیری خواهد کرد.

و لا یَحمَد حامدٌ الا ربّه: اگر کسی کار خیری کرد و خدمتی انجام داد و خیری به او رسید، از هیچ‌کس ستایش نکند، فقط از خدا. ستایش‌گویی و مداحی را کنار بگذارید. به هر کس خبری رسید، فقط پروردگارش را ستایش کند. **و لا یَلُم لائمٌ الا نفسَه.** و اگر کسانی منحرف شدند، گناه کردند، فقط خودشان را سرزنش کنند.

این قسمتی است از خطابه تاریخی و انقلابی علی که ما هم باید هشیار باشیم، امیدوار باشیم در همین خطی که علی معین کرده است، حرکت کنیم.

آگهی مزایده عمومی

شرکت آرین پارسه کیش(سهامی خاص) درنظر دارد نسبت به واگذاری غرفه گردشگری با متراژ ۳۵ متر مربع واقع در محوطه لابی هتل شایگان کیش، از طریق مزایده به اشخاص حقوقی واجد شرایط اقدام نماید.

لذا از کلیه متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید برای دریافت اسناد مزایده از تاریخ این آگهی به مدت ۱۰ روز، با واریز مبلغ ۱ میلیون ریال (جهت هزینه خرید اسناد مزایده) به حساب شماره ۰۲۰۳۱۱۶۹۰۴۰۰۹ نزد بانک آینده به نام شرکت آرین پارسه کیش، با در دست داشتن فیش واریزی، به آدرس: جزیره کیش، ابتدای بلوار رودکی، هتل شایگان مراجعه نمایند.

*سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه، در اسناد مزایده مندرج است.

آگهی مزایده(چاپ اول)

شرکت کشاورزی و دامپروری فجر اصفهان در نظر دارد نسبت به فروش تعدادی دام شامل گاو غیرآبستن کشتارگاهی، گوساله نر شیرخوار، گوساله نر هلشتاین پرواری، گوساله ماده گوشتی پرواری، بز ماده غیرآبستن کشتارگاهی و بز نر کشتارگاهی پایه ۶ماهه از طریق مزایده عمومی در ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ اقدام نماید. متقاضیان می توانند جهت دریافت فرم شرایط به آدرس شهرستان نطنز، کیلومتر ۱۵ جاده قدیم نطنز به اصفهان، روستای رحمت آباد، واحد گاوداری رحمت آباد و یا سایت شرکت به آدرس www.fajreisfahan.ir مراجعه و یا با تلفن ۵۴۳۳۵۳۱۴ – ۰۳۱ تماس حاصل فرمایند.

«آگهی مزایده»

شرکت تولید مواد اولیه دارویی البرز بالک (سهامی عام) درنظر دارد مقدار ۲۰۰۰۰ کیلوگرم ماده دی اتیل آمین را بصورت مزایده به فروش برساند. متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید از روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۹ به مدت ۴ روز از ساعت ۷ الی ۱۶ به محل کارخانه مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مبلغ واریزی جهت شرکت در مزایده مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. شماره تلفن ۸۸۹۴۰۱۴۰ داخلی ۱۱۱ جهت هماهنگی و پاسخگویی به سوالات به حضور معرفی می‌گردد.

نشانی دفتر تهران

صورتجلسه هیئت‌مدیره **شرکت تولید قطعات جلوبندی کیان لاهیجان** به شماره ثبت ۱۵۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۱۶۱۳۸ با حضور کلیه اعضاء در تاریخ **۱۴۰۱/۰۶/۰۵** ساعت **۱۶:۰۰** در محل قانونی شرکت تشکیل و تصمیمات ذیل اتخاذ گردید. باتوجه به پیشرفت فیزیکی شرکت و نیاز به گسترش آن دفتری به عنوان شعبه شرکت به آدرس ذیل راه‌اندازی شد: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، یوسف‌آباد، کوچه پله سوم، خیابان ولیعصر، پلاک ۲۲۳۰، برج سپهر ساعی، طبقه ۳، واحد۴، کدپستی ۱۴۳۳۸۹۴۱۶۵

شرکت تولید قطعات جلوبندی کیان لاهیجان (سهامی خاص)

آگهی مزایده عمومی

شرکت پیش ساخته سازان صبا آرمه بتن(سهامی خاص)ـ در حال تصفیه نوبت اول

این شرکت درنظر دارد یک دستگاه خودرو نوال ۹۰ مدل ۱۳۹۴، رنگ سفید را از طریق مزایده عمومی به بالاترین قیمت به فروش برساند. از متقاضیان دعوت می‌شود برای بازدید از خودرو و دریافت فرم اسناد مزایده در ساعات اداری تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ به نشانی: تهران، خیابان ولی‌عصر، بالاتر از تقاطع نیایش کوچه شهید رحیمی پلاک۸۵ مراجعه نمایند.

متقاضیان می‌بایستی فرم پیشنهاد قیمت، اسناد مزایده تکمیل شده و سپرده شرکت در مزایده را در پاکت دربسته تا آخر وقت اداری تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ به شرکت تحویل نمایند. پیشنهادهای قیمت واصله در تاریخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ ساعت ۱۲ در کمیته معاملات بازگشایی و مراتب به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

این شرکت در رد یا قبول پیشنهادهای واصله مختار است.

فرهنگ مقدم‌راد– مدیر تصفیه

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت سرمایه‌گذاری صنعت زغال کرمان (سهامی عام) (بشماره ثبت ۲۹۵۰) و شناسه ملی ۱۰۶۳۰۱۱۱۲۱۳

شرکت سرمایه‌گذاری صنعت زغال کرمان

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت سرمایه‌گذاری صنعت زغال کرمان (سهامی عام) می‌رساند، مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت در ساعت ۱۷ روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ در محل دفتر شرکت واقع در کرمان ـ خیابان بهمنیار ـ خیابان شهید کاوه زهره کرمانی ـ بن‌بست ۵ شمالی ـ پلاک ۱۱۵ تشکیل خواهد شد. (اصالتاً یا وکالتاً) حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده:

۱ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل.

۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده باشد.

مقتضی است جهت دریافت برگ رأی و حضور در جلسه، روز سه‌شنبه ۱۴۰۱/۰۶/۲۹ از ساعت ۸ صبح تا ۱۳ به امور سهام شرکت واقع در کرمان ـ خیابان بهمنیار ـ خیابان شهید کاوه زهره کرمانی ـ بن‌بست ۵ شمالی ـ پلاک ۱۱۵ مراجعه فرمایید.

هیأت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری صنعت زغال کرمان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۶/۱۹

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم

جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مسکن فراز بوشهر در ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۲ در محل دفتر تعاونی واقع در بوشهر ـ پایگاه هوایی ـ مسجد امام سجاد برگزار می‌گردد از کلیه اعضای محترم دعوت بعمل می‌آید رأس ساعت مقرر با به همراه داشتن کارت شناسایی معتبر و معرفی‌نامه از شرکت مربوطه در جلسه حضور به هم رسانند، ضمنا اعضایی که امکان حضور در جلسه را ندارند، می‌توانند نماینده خود را از بین اعضا یا خارج از شرکت انتخاب و با تنظیم وکالتنامه و درج اختیارات وکیل و تحویل آن به هیئت مدیره اقدام نمایند در هر حال هر عضو می‌تواند وکالتنامه ۳ نفر از اعضا و هر غیرعضو می‌تواند وکالتنامه یک نفر عضو را به عهده بگیرد. مکان و زمان وکالتنامه: دفتر تعاونی واقع در پایگاه هوایی ـ جنب تأمین مسکن تاریخ ارایه وکالتنامه: ۳۰ و ۱۴۰۱/۰۶/۳۱ ساعت ارائه وکالتنامه ۸ الی ۱۱ صبح و ۱۶ الی ۱۸

دستور جلسه:

۱ـ تصویب شیوه نامه پذیرش سهامدار غیرعضو (موضوع ماده ۱۰ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی)

تذکر: ارایه وکالتنامه به صورت محضری (در دفترخانه اسناد رسمی و یا بصورت عادی با حضور وکیل و موکل) به همراه داشتن مدرک شناسایی هویتی الزامی است.

هیئت مدیره

**آگهی دعوت